نگاهی به کتاب « نامیرا»

5 مرداد 1402
نام کتاب: نامیرا
نویسنده: صادق کرمیار
ناشر: کتاب نیستان

بیش از هر چیز اسم کتاب است که خواننده را مشغول می‌کند؛ ابتدا به ذهن می‌رسد «نامیرا» فقط اسمی هنری است که برای جلب مخاطب انتخاب شده و یا ناشر و نویسنده خواسته‌اند ابهام داستان را زیاد کنند. اما کتاب را که تا انتها بخوانی معلوم می‌شود «نامیرا» ریشه در مفهوم «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» دارد. مفهومی که می‌گوید پهنه‌ی سرزمین کربلا به اندازه‌ی کل زمین وسعت پیدا کرده و عاشورا همیشه نمیراست.
«نامیرا» داستانی شخصیت‌محور است؛ رمانی با خرده‌روایت‌هایی از تغییر روش، هدف، آرزو و عاقبت آدم‌ها. این روزگار است که آدم‌ها را در محک انتخاب شدن و انتخاب کردن می‌گذارد و نویسنده‌ی نامیرا فقط تصویرساز صادق این رویدادهاست. نویسنده‌ی کتاب را به سبک رمان‌های کلاسیک با شروعی آرام آغاز می‌کند، تصویرسازی می‌کند، شخصیت‌ها را یک به یک وارد داستان می‌کند، آن‌ها را معرفی می‌کند و با داستان پیش می‌برد. «نامیرا» اسیر اختلاف روایت‌های تاریخی نشده و البته از عقبه‌ی تحقیقی درستی بهره برده است.
در «نامیرا» است که می‌فهمی بخشی از انبوه مردمی که به امام نامه نوشتند حضور امام را برای منافع شخصی خود می‌خواستند. امضاها به خاطر درد دین نبود بلکه برای طایفه‌ای سؤال این بود که چرا معاویه شام را برتر از کوفه دانسته است. وقتی که ابن‌زیاد سر کیسه را شل کرد و از بیت‌المال کیسه‌های طلا بخشید، دیگر آمدن امام فایده‌ای برای این قوم نداشت. قصور معاویه را یزید جبران کرده بود، شاید اگر امام می‌آمد به کوفه و زعامت قوم را برعهده می‌گرفت اینان باز هم مخالفت می‌کردند. هرچند ابن‌زیاد هلاکشان کرد و دستشان را به خون پسر پیامبر آلوده کرد.
«نامیرا» یک مشخصه‌ی بارز دارد. نامیرا یک دوره‌ی فتنه‌شناسی است برای کسانی که در پی حق هستند و می‌خواهند بدانند که حق و باطل چگونه جابه‌جا می‌شوند. که حتی «عبدالله بن‌عمیر» با آن همه سابقه در جهاد با کفار تردید می‌کند که چرا پسر پیامبر به مقابله با یزید برخاسته است؟
«نامیرا» داستان عاشقانه هم دارد و نویسنده آگاهانه درام و رمانس را در کتابش خوب پرداخته است. «عشق» در نامیرا عشق بازاری نیست؛ آنجایی که سلیمه دختر عمرو بن‌حجاج با ربیع پیمان زناشویی می‌بندد و خوشحال است که همسرش محب علی و اولاد اوست و خشمگین می‌شود که چرا پدرش به حسین علیه‌السلام پشت کرده است. این عشق آن قدر قوی است که وقتی ربیع کارش به تردید می‌کشد، سلیمه هشدار می‌دهد که پیوند آن دو از سر حب علی و حسین علیهماالسلام است.